



تزویدج نفوس در قیامت به چه معناست؟

مهدی یاقوتیان
دبیر آموزش و پرورش خراسان رضوی

مزبور فرموده است:
اهل بهشت با خیرات
حسان (حور العین)
ازدواج می‌کنند و اما اهل
دوزخ، باید دانست که با هر
انسانی از دوزخیان، شیطانی است؛
یعنی هر یک از آن کفار و منافقین با شیطان
خود که قرین اوست، ازدواج می‌کند. (طباطبایی: ۳۵۰ و
۳۵۲)

ناهمگامی قرائت آیه با هم‌بستگی آیات

نگاهی به آیات قبل و بعد آیه مذکور، ناهمگامی قرائت
مزبور را روشن می‌کند.

«إذا الشمس كورت * و إذا النجوم انكدرت * و إذا
الجبال سبرت * و إذا العشار عطلت * و إذا الوحوش حشرت
* و إذا البحار سجرت * و إذا النفوس زوجت * و إذا الموءودة
سئلت * بأی ذنب قتلت * و إذا الصحف نشرت * و إذا السماء

مرحوم
علامه طباطبایی
در تفسیرالمیزان
ذیل آیه «و إذا النفوس
زوجت» (تکویر، ۷) نوشته
است: «اما نفوس سعیده، با زنان
بهشت تزویج می‌شوند؛ چنان‌که فرمود:

«... لهم فيها أزواج مطهرة...» (نساء، ۵۷/۴) و نیز فرمود:
«... و زوجناهم بحور عین.» (طور، ۲۰/۵۲) و اما نفوس
اشقیاء با قرین‌های شیاطینشان ازدواج می‌کنند، چنان‌که
فرمود: «احشرو الذین ظلموا و أزواجهم و ما كانوا یعبدون.»
(صافات، ۲۲/۳۷) و نیز فرمود: «و من یعش عن ذکر الرحمن
نقیض له شیطانا فهو له قرین» (زخرف، ۳۶/۴۳).

و در ذیل «بحث روایتی» آورده است: در تفسیر قمی
در ذیل آیه «و إذا النفوس زوجت.» فرمود: یعنی با حور
العین تزویج می‌کنند (ج ۲: ۴۰۷) و نیز در همان‌جا در روایت
ابی‌الجارود از امام باقر (علیه‌السلام) آمده که در معنای آیه

کشتت * و إذا الجیحیم سعرت * و إذا الجنه ازلقت * علمت نفس ما حضرت (تکویر، ۱/۸۱-۱۴).
 به گاه آن که هور واژگون شود. * ستارگان دچار تیرگی شوند. * و کوهها ز جا برآوند و رهسپارشان
 کنند. * و مردم اُشتران باردار پا به زای را فرو هلند. * و دشتیان و کوهیان جانور، به راه رستخیز رو نهند.
 * و آبهای پهنه‌های بی کرانه چون گدازه برجهند. * و جفت هم شوند هرچه پیکر است و هرچه جان.
 * برای دختران زنده در مُغاک بردگان، کنند بازخواست * : گناهشان چه بود که این چنین شد کشته
 زار؟ * و نامه‌های کارهای مردمان بگسترد، به دستشان رسد. * و پوست ز آسمان هفت لایه برکنند. *
 و دوزخ از درون ژرفنا زبانه باز کشد. * و مینوی بهشت جاودان فراز آورند. * درست هرچه کرده نیک و
 بد، به پیش روی خویش بنگرد (برگردان: مرحوم دکتر محمدحسین روحانی).

یعنی در هنگامهٔ تکویر و به هم پیچیده شدن خورشید و انکدار و سقوط نجوم و متلاشی شدن جبال و
 بی صاحب و معطل ماندن عشار و جمع شدن وحوش - یعنی هنگامه‌ای که شیر، ببر، پلنگ، گرگ، کفتار،
 گراز، خرس، خوک، آهو، گوزن، همه و همه از ترس به هم پناه می‌آورند - هنگام تسجیر و افروخته شدن
 دریاها، نفوس سعیده با زنان بهشت تزویج می‌شوند!

بعد از آیه «و إذا النفوس زوجت»، آیات «و إذا الموعوده سنلت، بأی ذنب قتلت...» آمده است. یعنی
 آیه مورد بحث دقیقاً در احوال و احوال هنگامهٔ قیامت است و بعد از این جریانات است که جهنم را
 برمی‌افروزند و بهشت را به اهلس نزدیک می‌کنند: «و إذا الجیحیم سعرت، و إذا الجنه ازلقت».
 وقتی هنوز بهشت به اهلس نزدیک نشده است، چگونه نفوس سعیده با زنان

بهشت تزویج می‌شوند؟

آیا باور می‌کنید که

مادری از هول و هراس، نوزاد

شیرخواره‌اش را رها کند،

اما در همان زمان و با همان

هول و هراس، حتی در فکر

ازدواج (تا چه رسد به وقوع

آن) باشد؟

«خداوند در سورهٔ تکویر علائم قیامت را می‌شمارد که از آن جمله گرد آمدن
 حیوانات وحشی به دور هم است: «و إذا الوحوش حشرت». سپس می‌فرماید:
 انسان‌ها نیز در آن روز دور هم جمع می‌شوند: «و إذا النفوس زوجت». و زمانی که
 مردم دور هم جمع شوند.

نفوس جمع نفس است و در فارسی نیز گاهی به مردم نفوس گفته می‌شود و
 این اصطلاح فارسی، اصطلاح قرآنی است.» (بایرامی، ۱۳۸۳: ۹۸)

وقتی وحوش هراسان‌اند و از ترس به هم پناه آورده‌اند، انسان‌ها هم هراسان‌اند
 و از ترس به هم پناه آورده‌اند.

«یا ایها الناس! اتقوا ربکم! انزلت الساعة شیء عظیم * یوم ترونها تذهل کل مرضعه عما أرضعت و
 تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید» (حج، ۱/۲۲-۲).
 آیا! باور می‌کنید که مادری از هول و هراس، نوزاد شیرخواره‌اش را رها کند، اما در همان زمان و با
 همان هول و هراس، حتی در فکر ازدواج (تا چه رسد به وقوع آن) باشد؟

«و لا جناح علیکم فیما عرضتم به من خطبه النساء أو اکننتم فی أنفسکم علم الله أنکم ستذکرونهن
 و لکن لا تواعدوهن سراً إلا أن تقولوا قولاً معروفاً و لا تعزموا عقده النکاح حتی یبلغ الکتب أجله و اعلموا
 أن الله یعلم ما فی أنفسکم فاحذروه و اعلموا أن الله غفور حلیم» (بقره، ۲/۲۳۵)
 «ربکم أعلم بما فی نفوسکم إن تکتونوا صالحین فإنه کان للإوابین عفورا» (اسراء، ۱۷/۲۵)
 «ترجی من تشاء منهین و تؤی الیک من تشاء و من ابتغیت ممن عزلت فلا جناح علیک ذلک أدنی
 أن تقر إعینهن و لا یحزن و یرضین بما آتیتهن کلهن و الله یعلم ما فی قلوبکم و کان الله علیما حلیماً»
 (احزاب، ۳۳/۵۱)



نفوسکم: تنها

و اعلموا أن الله يعلم ما في أنفسكم: شما در ضمیرتان چیزی را می‌پروانید و می‌خواهید به زنانی که عده‌شان تمام نشده است، مطلبی را بگویید، که خدا آن را می‌داند (اندیشه).
ربکم أعلم بما في نفوسكم إن تكونوا صالحين: خدا به شما مردم آگاه‌تر است. صالح بودن شما را هم تشخیص می‌دهد (عمل).
و الله يعلم ما في قلوبكم خدا آن چه را در دل‌هایتان نسبت به زنانتان دارید، می‌داند (عاطفه).

الله يتوفى الانفس گفته، يتوفى النفوس نگفته، چون جان از وجود و درون فرد (تنها) گرفته می‌شود نه از بین مردم (تنها).

«ازواج مطهره»، «حور عین» و «خیرات حسان»

در بهشت مطرح است نه در هنگامه قیامت

«و بشر الذين آمنوا و عملوا الصالحات أن لهم جنات تجري من تحتها الأنهار كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا؛ قالوا: «هذا الذي رزقنا من قبل.» و أتوا به متشابهها و لهم فيها أزواج مطهرة و هم فيها خالدون» (بقره، ۲۵/۲)
قل: «أو نبئكم بخير من ذلكم للذين اتقوا عند ربهم. جنات تجري من تحتها الأنهار خالدین فیها و أزواج مطهرة و رضوان من الله. و الله بصیر بالعباد» (آل عمران، ۱۵/۳)
«و الذين آمنوا و عملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدین فیها ابداء لهم فیها أزواج مطهرة و ندخلهم ظلا ظلیلا» (نساء، ۵۷/۴)

«جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و أزواجهم و ذریاتهم و الملائکه یدخلون علیهم من کل باب» (رعد، ۲۳/۱۳)

«إن أصحاب الجنة اليوم فی شغل فاكهون * هم و أزواجهم فی ظلال علی الأرائک متكئون» (یس، ۵۶/۳۶)
«یا عبادا! لا خوف علیکم الیوم و لا أنتم تحزنون * الذین آمنوا بآیاتنا و كانوا مسلمین * ادخلوا الجنة أنتم و أزواجکم تحبرون» (زخرف، ۷۰/۴۳)

«متكئین علی سرر مصفوفه و زوجناهم بحور عین» (طور، ۲۰/۵۲)
«و لمن خاف مقام ربہ جنتان * فیأی آلاء ربکما تکذبان... فیهن قاصرات الطرف لم یطمثهن إنس قبلهم و لا جان * فیهن خیرات حسان * ... حور مقصورات فی الخیام * ... لم یطمثهن إنس قبلهم و لا جان» (الرحمن، ۷۴-۴۶/۵۵)

«فی جنات النعیم * ... و حور عین * کأمثال اللؤلؤ المکنون * ... إنا أنشأناهن إنشاء * فجعلناهن أبکارا * عربا أترابا» (واقعه، ۱۲/۵۶-۳۷)

منابع

۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ تفسیرالمیزان، ج ۲۰، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲. بایرامی، ناصر رسول؛ قرآن، فلسفه، علم، انتشارات بهجت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.
۳. مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی، ج اول، انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، تهران، ۱۳۶۹.

یکی از چیزهایی که از
تعزیه‌های قدیم ما هرگز
جدانی شد، عروسی قاسم
نوکد خدا، یعنی نوداماد، بود.
در صورتی که این موضوع
در هیچ یک از کتاب‌های
تاریخی معتبر وجود ندارد